

مرضیه عربزاده کوپائی
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی معاون
مدرسه‌ی ابتدایی، ناحیه‌ی دو اصفهان



توجه به شیوه‌های تربیتی مهم‌ترین دغدغه‌ی سند تحول بنیادین است؛ دغدغه‌ای که رویکرد آن آموزه‌های دینی و اسلامی است. فرهنگ اقامه‌ی نماز و اهتمام به برپایی نماز جماعت در مدرسه‌ها یکی از این شیوه‌های تربیتی به شمار می‌آید.

ساحت عبادی، اعتقادی و اخلاقی یکی از ساحت‌های شش‌گانه‌ی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت است که بر آن تأکید ویژه شده است و به‌عنوان رکن اساسی تعلیم و تربیت در خود سند به آن اشاره می‌شود. زیرنظام‌های متعددی نیز برای این ساحت تعریف و زمینه‌ی اجرای فعالیت‌ها با آن محور در سند پیش‌بینی شده است.

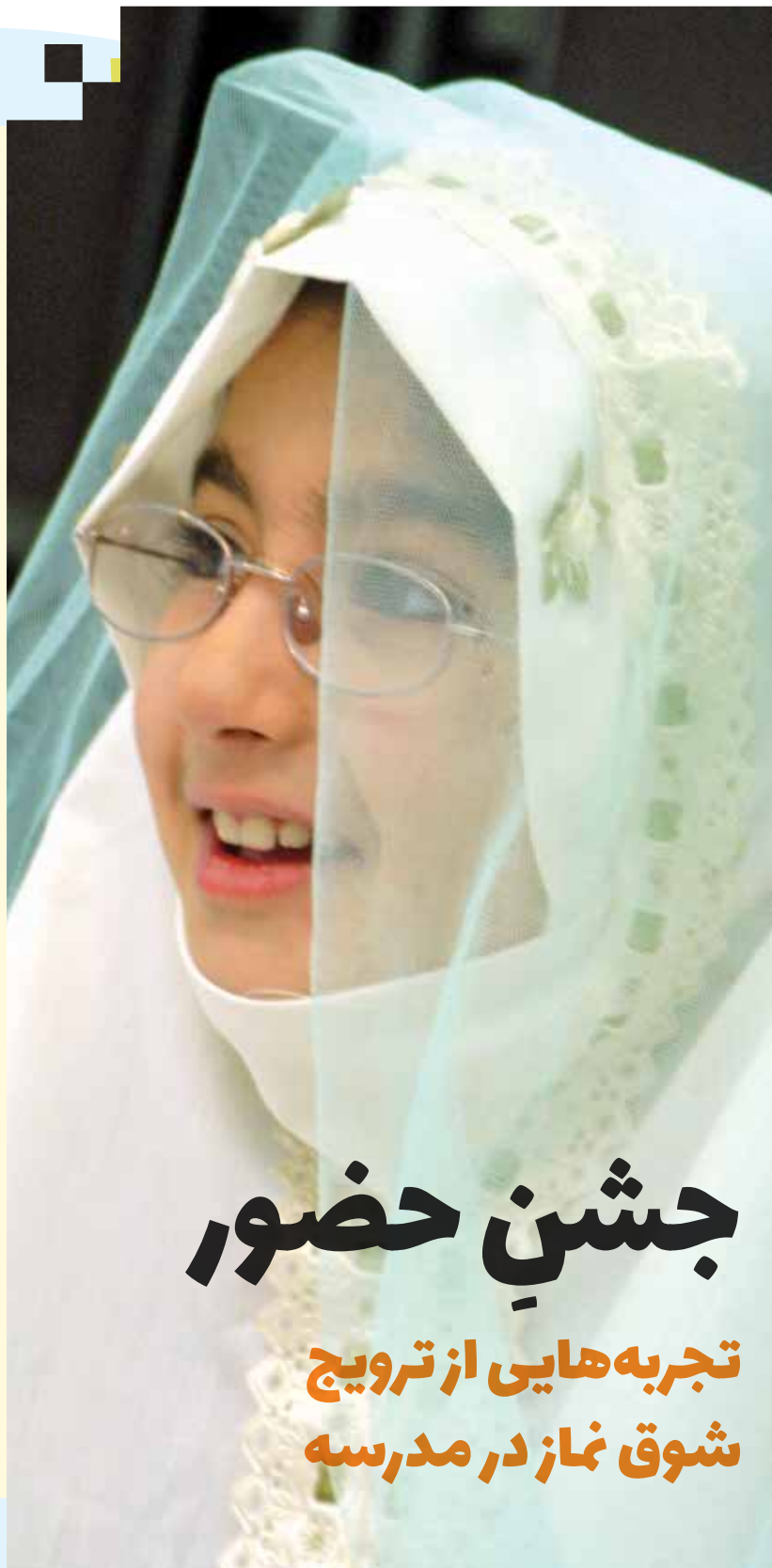
هدف آموزش و پرورش تربیت انسان رشد یافته در همه‌ی ابعاد وجودی است. در راستای تحقق اهداف ساحت عبادی، اعتقادی و اخلاقی سند تحول بنیادین، نماز باید به‌عنوان رکن اصلی نظام تعلیم و تربیت مورد توجه ویژه قرار گیرد؛ زیرا رسیدن به حیات طیبه و رسیدن به جامعه‌ای که مختصات قرآنی داشته باشد، از راه اقامه‌ی نماز و نشر آن به دست می‌آید.

بیان مسئله

در عصر حاضر یکی از دغدغه‌های تربیتی مدرسه‌های کشور آموزش نماز و فرهنگ‌سازی برپایی نماز جماعت در بین دانش‌آموزان است. در حال حاضر، آموزش نماز به دانش‌آموزان و برپایی آن توسط آن‌ها با میل و انگیزه و متناسب با سنشان، در مدرسه‌ها، به چالش مهمی در برنامه‌ی درسی و تربیتی دانش‌آموزان تبدیل شده است. مدرسه‌ی ما هم از این امر مستثنا نبوده و نیست. به همین دلیل بر آن شدم تا با اجرای خلاقیت‌ها و طرح‌هایی با رویکرد ساحت تربیتی، اعتقادی، عبادی و اخلاقی سند تحول بنیادین به هرچه باشکوه‌تر برپا کردن این مهم بپردازم.

❖ اقدام‌های عملی با توجه به سند تحول

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به ترویج و توسعه‌ی فرهنگ اقامه‌ی نماز به‌عنوان یکی از ارکان اصلی تربیت اسلامی در مدرسه‌ها تأکید دارد. این سند نماز را عنصری کلیدی در تربیت



تجربه‌هایی از ترویج
شوق نماز در مدرسه

نسل آینده و پرورش نسلی مؤمن و متعهد به ارزش‌های دینی می‌داند. برای توسعه‌ی فرهنگ اقامه‌ی نماز در مدرسه روش‌های گوناگونی را دنبال و برای هر کدام ایده‌ها و طرح‌هایی را در مدرسه‌مان اجرایی کردم که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

ایجاد فضای مناسب برای اقامه‌ی نماز

وقتی نماز در مدرسه و دل‌ها جاری شد!

✓ فراهم کردن مکان مناسب و مجهز برای اقامه‌ی نماز جماعت در مدرسه.

✓ شاداب‌سازی محیط نمازخانه توسط خود دانش‌آموزان.

✓ نصب جملات انگیزشی.

ساعت نزدیک اذان ظهر بود. صدای زنگ آخر در حیاط پیچید و حیاط مدرسه پر شد از همه‌می بچه‌ها. آفتاب ملایم پاییز روی نیمکت‌ها می‌تابید و برگ‌های زرد آرام‌آرام به زمین می‌نشستند. ایستاده بودم و نگاه می‌کردم؛ دلم می‌خواست این شلوغی به آرامش و خشوع صف نماز تبدیل شود. می‌دانستم که فقط گفتن کافی نیست؛ باید فضایی بسازم که خود بچه‌ها بخواهند به سمت نماز کشیده شوند. روز اول، تابلوهای رنگی با جملات کوتاه از پیامبر (ص) و امامان روی دیوار نمازخانه نصب کردم: «نماز ستون دین است.» و «بهترین عمل نزد خدا نماز به وقت است.» بچه‌ها مکث کردند، خواندند و لبخند زدند. مسابقه‌ی وضو را برگزار کردیم، حتی خجالتی‌ترین بچه‌ها با اشتیاق جلو آمد. هر وضوی درست با دست‌زدن و تشویق دوستان همراه شد. البته چالش هم بود. چند نفر گوشه‌ای ایستاده بودند؛ اما وقتی مسئولیت‌های کوچک به آن‌ها سپرده شد، مانند مرتب کردن صفا یا پهن کردن جانمازها، آن‌ها نیز کم‌کم وارد جمع شدند. روزی رسید که خودشان دیگران را به نماز دعوت می‌کردند. آن روزها فهمیدم نماز در مدرسه‌مان نه یک دستور که تجربه‌ای زنده و شیرین است.

برگزاری منظم نماز جماعت

وقتی نماز جماعت

رنگ جشن گرفت!

✓ اجرای طرح مهر با مهر (نواخته‌شدن زنگ اقامه‌ی نماز و برپایی نماز جماعت در روز اول مهر)

اول مهر، حیاط مدرسه حال و هوای دیگری داشت. پرچم ایران در نسیم صبحگاهی می‌رقصید و بوی کتاب‌های نواز کلاس‌ها می‌آمد. درست در همان روز، طرح «مهر با مهر» را آغاز کردیم. زنگی مخصوص برای اقامه‌ی نماز آماده کرده بودیم؛ صدایی خوش‌آهنگ که وقتی در مدرسه می‌پیچید، بچه‌ها می‌دانستند لحظه‌ی مهمی رسیده است. آن روز، همراه با زنگ، همه‌ی ما به سمت نمازخانه رفتیم. انگار اولین زنگ سال تحصیلی، نه آغاز درس که آغاز بندگی بود. لبخندهایی که کنار صفا می‌دیدم، نشان می‌داد این زنگ، به دل‌ها نشسته است.

✓ اجرای طرح آوای بندگی

(طی جلسه‌ای با آموزگاران، مقرر شد آن‌ها هر روز بیست دقیقه از زنگ آخر را تحت‌عنوان «زنگ آوای بندگی» در برنامه‌ی کلاسی مدنظر قرار دهند).

طرح «آوای بندگی» را اجرا کردیم. بیست دقیقه‌ی آخر زنگ آخر را به نماز جماعت اختصاص دادیم. معلمان با مهربانی درس را کمی زودتر جمع می‌کردند تا بچه‌ها با آرامش وضو بگیرند و در صفا بایستند. این فاصله‌ی کوتاه، نماز را از عجله و شتاب نجات داد و فرصتی ایجاد کرد که معنای نماز بیشتر حس شود. سکوتی که پیش از تکبیر الاحرام در نمازخانه می‌نشست، برایم مثل نسیم خنکی بود که خستگی روز را می‌شست.



✓ اجرای طرح‌های تشویقی

(تشویق دانش‌آموزان به شرکت در نماز جماعت در محیط مدرسه و برگزاری مسابقات و فعالیت‌های مرتبط با نماز، برگزاری اردوهای فرهنگی ویژه‌ی فعالان نماز).

برای اینکه شوق بچه‌ها همیشه تازه بماند، طرح‌های تشویقی را هم به برنامه‌ها اضافه کردیم؛ مسابقات کوچک حفظ اذکار نماز، مسابقه‌ی بهترین اذان‌گو و حتی اردوهای تفریحی. هر مسابقه و هر سفر برای بچه‌ها پلی بود بین شادی و معنویت. بارها دیده‌ام که حتی جایزه‌های کوچک یا کارت تبریکی ساده انگیزه‌ی بزرگی می‌شود تا دانش‌آموزی هر روز اول صف بایستد. حالا وقتی به روزهای اول فکر می‌کنم، می‌بینم نماز جماعت مدرسه‌مان دیگر فقط برنامه‌ای روزانه نیست؛ جشنی کوچک است که هر روز برگزار می‌شود. صدای زنگ «مهر با مهر» آغاز این جشن است. «آوای بندگی» آن را به آرامش می‌رساند و طرح‌های تشویقی، لبخند و شوق بچه‌ها را در دلش نگه می‌دارد. برای من، این‌ها همه‌ی معنای تربیت دینی در مدرسه است؛ پیوند محبت و نظم و بندگی.

✓ آموزش احکام و فلسفه‌ی نماز

وقتی پرسیدن، راهی به فهمیدن شد!

✓ اجرای طرح گفت‌وگو و پرس‌و‌پاسا و ویژه‌ی دانش‌آموزان

(ارائه‌ی آموزش‌های لازم در مورد احکام و فلسفه‌ی نماز و اهمیت نماز اول وقت به دانش‌آموزان در قالب درس‌های دینی و پرورشی و همچنین برگزاری کارگاه‌ها و جلسات آموزشی).

بعد از آنکه نماز جماعت در مدرسه‌مان جان گرفت، فهمیدم وقت آن رسیده است که بچه‌ها نه فقط نماز بخوانند، بلکه آن را بشناسند و با فلسفه‌اش زندگی کنند. اینجا بود که طرح «گفت‌وگو و پرس‌و‌پاسا نماز» را آغاز کردم. هر هفته، در گوشه‌ای از نمازخانه، دایره‌ای کوچک تشکیل می‌دادیم. بچه‌ها روی زمین می‌نشستند، بعضی با مهر در دست و بعضی با دفترچه‌ی یادداشت. من بحث را با پرسش‌هایی ساده شروع می‌کردم: «چرا نماز باید سر وقت خوانده شود؟» یا «چه چیزی در نماز باعث آرامش ما می‌شود؟» پاسخ‌ها گاهی کودکانه بود، گاهی شگفت‌انگیز.

حتی وقتی بچه‌ها جوابشان کامل نبود، کسی آن را کامل نمی‌کرد؛ زیرا مهم این بود که آن‌ها داشتند فکر می‌کردند، نه فقط تقلید. کم‌کم این حلقه‌های گفت‌وگو برایشان مثل رازگشایی‌های هفتگی شد، جایی که می‌توانستند با خیال راحت سؤال بپرسند و جواب بگیرند.

✓ اجرای طرح چالش هر ماه

- به‌چالش کشیدن دانش‌آموزان به‌صورت ماهیانه با طرح سؤال؛ مثلاً چگونه می‌توانیم دوستان را به نماز دعوت کنیم؟

- برعهده گرفتن وظیفه‌ی مکبری یا بیان احکام توسط خود دانش‌آموزان.

- برپایی نماز وحدت.

بعد از آن، «طرح چالش همراه» را اجرا کردیم. بچه‌ها خودشان سؤال طراحی می‌کردند و به دوستانشان می‌دادند. گاهی کسی به‌جای من مکبری می‌کرد یا احکام ساده‌ای را برای جمع می‌خواند. این لحظه‌ها برای بچه‌ها حس مسئولیت می‌آورد. وقتی دانش‌آموزی کوچک کنار صف‌ها تکبیر می‌گفت و همه پشت سرش نماز می‌خواندند، برق غرور و شادی در چشمانش برایم ارزشمندتر از هر نمره‌ای بود. این تجربه به من یاد داد که آموزش احکام، فقط گفتن «باید» و «نباید» نیست. باید فرصت بدهی تا بچه‌ها خودشان وارد میدان شوند، سؤال بپرسند، جواب بدهند و حتی اشتباه کنند. همان اشتباه‌ها پله‌هایی شدند که بچه‌ها را به فهم درست رساند. امروز که به این مسیر نگاه می‌کنم، می‌بینم نماز در مدرسه‌مان دیگر عملی تکراری نیست؛ فهمی است که در دل‌ها جا گرفته و هر روز با پرسش‌ها و پاسخ‌های تازه ریشه‌دارتر می‌شود.

➤ الگوسازی

وقتی الگوها دست در دست هم دادند!

✓ اجرای طرح «إني أحب الصلوة»

- حضور آموزگاران در نماز همراه با دانش‌آموزانشان.

- معرفی استادان و مربیان متعهد به نماز و تشویق دانش‌آموزان به الگوبرداری از آن‌ها.

در تمام این سال‌ها، خوب می‌دانستم دانش‌آموزان بیش از آنکه به گفته‌ها گوش دهند، به دیده‌ها دل می‌بندند؛ پس تصمیم گرفتم نماز را نه فقط آموزش دهم که برای آن الگوسازی هم بکنم؛ موقعیتی که دیدن از گفتن مؤثرتر باشد. اول، طرح «إني أحب الصلوة» را آغاز کردیم. این طرح برگرفته از سخن پیامبر (ص) بود

و دیگری خوشامدگویی به تازه‌واردها. برایشان کارت کوچکی درست کردم که رویش نوشته بود: «نمازیار». وقتی این عنوان را می‌شنیدند، برق غرور در چشمانشان به من می‌گفت که دادن مسئولیت بهترین تشویق است.

✓ اجرای طرح نماز خوشمزه

(پذیرایی ویژه برای مناسبت‌هایی مانند ولادت ائمه (ع) و تولد دانش‌آموزان در نماز، به‌منظور ایجاد خاطره‌ای خوش و ساختن این مفهوم که نماز غذای روح است).

در کنار آن، طرح «نماز خوشمزه» را گذاشتیم. هر چند وقت یک‌بار، بعد از نماز جماعت، پذیرایی کوچکی داشتیم؛ ساده، اما دل‌نشین. بچه‌ها می‌گفتند پذیرایی بعد از نماز، برایشان مثل مهمانی‌ای است که میزبانش خداست.

✓ اجرای طرح هیئت‌های دانش‌آموزی

(برگزاری محفل قرآنی به‌ویژه در ماه مبارک رمضان و محفل دعاخوانی در مناسبت‌های ویژه شهادت و برپایی موبک‌ها).

برای ایجاد فضای معنوی و انس بیشتر، طرح «هیئت‌های دانش‌آموزی» را اجرا کردیم. جمع‌های کوچک قرائت قرآن راه افتاد. در مناسبت‌های خاص، موبک‌های کوچک در حیاط مدرسه برپا می‌شد. هر موبک حال‌وهوای مراسم‌های بزرگ مذهبی را به مدرسه می‌آورد.

✓ اجرای طرح مبلغ کوچک

(از دانش‌آموزان می‌خواستم که راهکارهای ارائه‌شده خود را در پاسخ به چالش هر ماه اجرایی کنند و هرکدام برای خود، گروه و کلاسشان مبلغ نماز باشند).

در نهایت، طرح «مبلغ کوچک» را آغاز کردیم. بچه‌ها احکام و قصه‌های کوتاه دینی را یاد می‌گرفتند و در جمع دوستانشان بازگو می‌کردند. شنیدن ذکرها و نکته‌های ساده از زبان یک هم‌سن‌وسال، برای بچه‌ها شیرین‌تر از هر کلاس رسمی بود. وقتی این طرح‌ها شکل گرفت، دیگر نماز فقط برنامه‌ی من نبود؛ برنامه‌ی خود بچه‌ها بود. هر روز که صدای اذان می‌پیچید، صف‌ها پر می‌شد از بچه‌هایی که با شوق، نه فقط برای خواندن نماز که برای اجرای نقشی که به آن‌ها سپرده شده بود، می‌آمدند. اینجا بود که فهمیدم مشارکت پلی است که بچه‌ها را از «باید» به «دوست دارم» می‌رساند.

که نماز را محبوب‌ترین عمل خود می‌دانست. آموزگاران هم‌زمان با دانش‌آموزان در صف‌های نماز جماعت ایستادند. آن روز، دیدم که چطور نگاه‌های کوچک شاگردان، با غرور و احترام، معلمشان را از روی مهر تا تکبیر دنبال می‌کند. حضور معلم کنار دانش‌آموز صف‌ها را صمیمی‌تر و دل‌ها را نزدیک‌تر کرد. دیگر فاصله‌ای بین «درس دادن» و «عمل کردن» نبود.

✓ اجرای طرح نماز مادر و دختر

(توجه به اهمیت نقش الگویی مادران در تشویق دانش‌آموزان به اقامه‌ی نماز، به‌ویژه نماز اول وقت).

سپس، طرح نماز مادر و دختری را اجرا کردیم. روز خاصی انتخاب شد؛ روزی که مادرها کنار دخترانشان در نمازخانه حاضر شدند. آن لحظه که مادر دست دخترش را گرفت و همراه او وضو گرفت، بی‌آنکه کلمه‌ای گفته شود، درس بزرگی منتقل شد. صف‌های کنارهم‌ایستاده‌ی مادران و دختران تصویری بود که از قاب دل‌ها پاک نمی‌شود. بعد از نماز، حلقه‌ای کوتاه تشکیل دادیم و مادران از تجربه‌ها و خاطرات نمازخواندنشان گفتند. برای دخترها، این قصه‌ها نه فقط شنیدنی که الهام‌بخش بود. با این طرح‌ها فهمیدم که نماز، وقتی در قالب رابطه و محبت جاری شود، دیگر یک دستور نیست؛ تبدیل می‌شود به خاطره‌ای شیرین که تا سال‌ها در ذهن و قلب می‌ماند. دیدن چهره‌های آرام مادران و آموزگاران در کنار لیخن دختران، به من یقین داد که الگوسازی کلید ماندگاری نماز در دل‌هاست.

مشارکت فعال دانش‌آموزان

وقتی بچه‌ها خودشان صاحب نماز شدند! کم‌کم فهمیدم که برای ماندگار شدن نماز در دل بچه‌ها، آن‌ها باید از شنونده‌بودن بیرون بیایند و به نقش‌آفرین تبدیل شوند. اینجا بود که طرح‌های مشارکتی جان گرفت.

✓ اجرای طرح نمازیار

(ایجاد فرصت برای مشارکت فعال دانش‌آموزان در فعالیت‌های مرتبط با نماز و ایجاد حس تعلق و مسئولیت‌پذیری در آن‌ها).

اول، طرح «نمازیار» را اجرا کردم. چند دانش‌آموز را به‌عنوان دستیاران کوچک نماز انتخاب کردم؛ یکی مسئول مهرها، دیگری پهن کردن جانمازها

- همکاری با پدرانی که روحانی بودند برای اقامه‌ی نماز در مدرسه.

سپس طرح «سه میم» را اجرا کردیم تا پیوند مدرسه، مسجد و منزل واقعی شود. دانش‌آموزان در مسجد محل برای اقامه‌ی نماز جماعت شرکت می‌کردند. دیدن چهره‌های پرشور بچه‌ها که با والدین خود کنار هم در صف ایستاده‌اند، تجربه‌ای زنده و ارزشمند بود. فضای مسجد پر شد از خنده‌های شوق‌آمیز و بعد هم سکوت شیرین برای اذان که همه را به هم نزدیک می‌کرد. برای تقویت نقش خانواده و الگوسازی، از والدینی که روحانی بودند، برای اقامه‌ی نماز جماعت استفاده کردیم. بچه‌ها با دقت به کارهای امام جماعت نگاه می‌کردند و همان‌طور که احکام نماز را می‌شنیدند، می‌فهمیدند که نماز نه فقط عملی شخصی، بلکه فرصتی برای یادگیری و همراهی است. حضور والدین در مقام الگو تأثیری عمیق بر علاقه و انس بچه‌ها گذاشت و نماز را برایشان دوست‌داشتنی‌تر کرد. با این تجربه، فهمیدم که وقتی خانواده در کنار مدرسه قرار می‌گیرد، نماز دیگر فقط برنامه‌ای روزانه نیست؛ تبدیل می‌شود به تجربه‌ای مشترک، زنده و سرشار از محبت که در دل‌ها ریشه می‌دواند و به نسلی که تربیت می‌کنیم منتقل می‌شود.

سخن آخر

نماز ابزاری برای تربیت

در قالب این طرح دانش‌آموزان یاد گرفتند که نماز ابزار تشکر است و تشکر باید به‌موقع و مناسب انجام شود و با توجه به شناختی که از تشکرشونده داریم، موردپسند و خواست او باشد. همچنین نماز ابزاری برای تربیت است؛ زیرا خداوند رب‌العالمین یعنی تربیت‌کننده است.

اهمیت نماز اول وقت نیز در این طرح برای دانش‌آموزان تبیین شد؛ چون خداوند شش بار ما را به شتاب به نماز دعوت کرده و آن را عامل پیروزی و فلاح و بهترین عمل یاد کرده است؛ لذا هیچ کاری نباید بر نماز اول وقت ترجیح داده شود. با اینکه خداوند به ما زمان داده است؛ اما بی‌توجهی به نماز اول وقت به دور از ادب است. نماز نسخه‌ی همه‌کاره‌ای است که باعث نظم، اراده، تمرکز، بهداشت جسم و روح، پاکی از گناه، امنیت اجتماعی و... می‌شود.

خوشبختانه در برپایی نماز جماعت مدرسه شاهد استقبال خوب دانش‌آموزان بودیم. آن‌ها قبل از نماز با آرامش در نمازخانه حضور می‌یافتند.



➤ همکاری خانواده‌ها

وقتی خانواده‌ها در کنار ما نماز خواندند! با گذر زمان فهمیدم که عادت به نماز خواندن در دانش‌آموزان فقط در مدرسه شکل نمی‌گیرد؛ خانواده ستون اصلی تربیت دینی است. پس تصمیم گرفتم والدین را هم همراه کنم تا نماز تجربه‌ای زنده و ماندگار شود.

✓ اجرای طرح گفتمان نماز

(برگزاری جلسات آموزش خانواده با موضوع تربیت دینی و مهارت دعوت فرزندان به نماز) ابتدا شرکت اولیا در جلسات گفتمان نماز را برنامه‌ریزی کردیم. چند جلسه صمیمانه برگزار شد. مادران و پدران کنار هم نشستند و از تجربه‌های شخصی‌شان در نماز گفتند.

بعضی از مادران از اولین روزهایی گفتند که فرزندان در کنارشان نماز خوانده‌اند و بعضی پدران خاطرات مربوط به نماز خواندن خودشان در نوجوانی را به اشتراک گذاشتند. وقتی نگاه می‌کردم، می‌دیدم که شور و علاقه‌ی والدین، با همان صداقت، به فرزندان منتقل می‌شود. بچه‌ها بعداً با هیجان می‌گفتند: «مامان امروز برایم از نماز تعریف کرد.»

✓ اجرای طرح سه میم

(برقراری تعامل پویا و سازنده و پیوند بین مدرسه و مسجد و منزل)

- جلب همکاری خانواده‌ها در ترویج فرهنگ نماز و ایجاد هماهنگی بین محیط مدرسه و خانه در این زمینه.